

## ایده‌های نوآورانه و اندیشه‌های مجرمانه: مرز تأمین مالی جمعی و تأمین مالی تروریسم

علی عسگری مروت\* حسن عالی‌پور\*\* مینا مهرنوش\*\*\* مجتبی بهرامی گرو\*\*\*\*  
(تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۲۲)

### چکیده

تأمین مالی جمعی جستاری نو در علم مدیریت و به معنای جمع‌آوری منابع مالی برای پیش‌برد پروژه‌ها از طریق مشارکت‌های مردمی است. این پدیده به جهت جلب کمک‌های همگانی در راستای ارج نهادن به ایده‌های نو و ذهن‌های خلاق، می‌کوشد تا زمینه عملیاتی شدن آن را در جامعه فراهم سازد. با این حال، مرز باریکی با جلب کمک‌های مردمی برای انجام اقدامات مجرمانه به ویژه تأمین مالی تروریسم دارد. در تأمین مالی تروریسم نیز تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی می‌تواند با منشأ قانونی و کمک‌های مردمی باشد و از همین رو، چالش این نوشتار مطرح می‌گردد که در یک سیاست کیفری سنجیده چگونه باید مرز میان ایده‌های نوآورانه و اندیشه‌های مجرمانه روشن شود؟ این نوشتار با روش کتابخانه‌ای ضمن بررسی ویژگی‌های تأمین مالی جمعی از یک سو و بیان عناصر تشکیل دهنده تأمین مالی تروریسم از سوی دیگر، این دستاورد را داشته که آنچه سنجۀ این تفاوت‌گذاری است مقصد تأمین مالی است و نه منشأ آن و سهل‌گیری در منشأ به همراه کنترل مقصد (و نه صرف کنکاش در قصد شهروندان) می‌تواند برنامه‌ای برای پشتیبانی از تأمین مالی جمعی برای بارور ساختن ایده‌ها همراه با مهار تأمین مالی تروریسم باشد.

واژگان کلیدی: تأمین مالی جمعی، تأمین مالی تروریسم، پولشویی، جلب کمک‌های مالی، مقصد کمک‌های مالی.

\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران (نویسنده مسئول):

asgari.morovat@ut.ac.ir

\*\* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، تهران، ایران.

\*\*\* استادیار مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، تهران، ایران.

\*\*\*\* کارشناسی ارشد مدیریت تکنولوژی دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، تهران، ایران.

## مقدمه

روش‌های مختلفی برای تأمین مالی پروژه‌ها و کسب و کارهای نوآورانه وجود دارند. تأمین مالی جمعی (جمع‌سپاری مالی) یا سرمایه‌گذاری جمعی<sup>۱</sup> یکی از جدیدترین روش‌هایی است که در ابتدا در کشورهای توسعه‌یافته و سپس به تازگی در برخی کشورهای در حال توسعه بکار گرفته می‌شود. در سال‌های اخیر تعداد زیادی از بسترهای سرمایه‌گذاری جمعی به وجود آمده و اغلب نشان داده‌اند که در تأمین سرمایه بسیار موفق عمل کرده‌اند. سرمایه‌گذاری جمعی از طریق اعلام عمومی و دعوت از گروه بزرگی از مردم در جهت مشارکت در تأمین سرمایه یک پروژه یا رویداد به خصوص ممکن می‌شود. تأمین مالی جمعی در کشور ما نیز تاریخچه طولانی دارد که از جمله می‌توان به مراسم گلریزان، صندوق‌های قرض‌الحسنه، تعاونی‌ها و غیره اشاره کرد. در حال حاضر نه تنها شیوه‌های سنتی تأمین مالی جمعی در کشور ما پابرجاست، بلکه امروزه از طریق فناوری‌های نو مانند سامانه‌های اینترنتی و تلفن‌های همراه، روش‌های جدیدی در تأمین مالی جمعی همچون بازسازی مکان‌های مقدس، جمع‌آوری مبالغ هزینه‌های بیماران تنگدست و غیره از طریق کمک‌های مردمی ایجاد شده است که همگی نشان‌دهنده وجود فرهنگ تأمین مالی جمعی در کشور هستند. پدیده تأمین مالی جمعی از لحاظ اقتصادی بسیار مفید است اما ممکن است از همین امر سوءاستفاده شود و پوششی برای ارتکاب جرایمی مانند تأمین مالی تروریسم باشد.

با توجه به اینکه انجام اقدامات تروریستی هزینه‌های زیادی را دربردارد، گروه‌های تروریستی به شیوه‌های مختلف منابعی را برای تأمین این هزینه‌ها پیش‌بینی می‌کنند. این منابع از چند راه عمده بدست می‌آیند که عبارتند از: حمایت دولت‌ها، فعالیت‌های قانونی، فعالیت‌های غیرقانونی، کمک‌های خیریه و داوطلبانه و کمک‌های غیرداوطلبانه. در ماده یک قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ تأمین مالی تروریسم این‌گونه تعریف شده است: «تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا

---

1. Crowd-funding.

بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام اعمال زیر یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می‌شود. یکی از منابع مالی تروریست‌ها تأمین مالی آنها توسط هواداران است. آیا احتمال اینکه پدیده تأمین مالی جمعی مورد سوءاستفاده قرار گرفته و بستری برای تأمین مالی تروریست شود وجود دارد؟ در پژوهش حاضر دو مسئله مطرح شده است. نخست اینکه بسترهای تأمین مالی جمعی برای امکان ارتکاب تأمین مالی تروریسم چه هستند؟ و دوم اینکه چه راهکارهایی برای جلوگیری از ارتکاب تأمین مالی تروریسم از بستر تأمین مالی جمعی وجود دارند و چگونه می‌توان آن را کنترل کرد؟ در این پژوهش نخست به پیوند مفهومی دو اصطلاح تأمین مالی جمعی و تأمین مالی تروریسم و سپس به بسترهای تأمین مالی جمعی برای تأمین مالی تروریسم می‌پردازیم و در پایان نحوه کنترل تأمین مالی جمعی در برابر تأمین مالی تروریسم را بررسی می‌کنیم.

### ۱. پیوند مفهومی تأمین مالی جمعی و تأمین مالی تروریسم

از جمله عوامل و معیارهای مهم در برنامه‌های اقتصادی هر کشور رشد اقتصادی است. معمولاً رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای پیشرفته صنعتی کمتر است و کسب و کارهای نوآورانه جزو مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد اقتصادی کشورها بوده‌اند. شرط مؤثر بودن این عامل مهم، ایجاد روش‌هایی است که سرمایه را با ایده‌های نوآورانه پیوند دهند. برای تأمین مالی پروژه‌ها و کسب و کارهای جدید، روش‌های مختلفی وجود دارند؛ یکی از جدیدترین روش‌ها، تأمین مالی جمعی (جمع‌سپاری مالی) یا سرمایه‌گذاری جمعی است که در ابتدا در کشورهای توسعه‌یافته و اخیراً در برخی کشورهای در حال توسعه بکار گرفته می‌شود. سرمایه‌گذاری جمعی با اعلام عمومی و دعوت از مردم برای مشارکت در تأمین سرمایه یک پروژه یا رویداد به خصوص به عمل می‌آید (عباسی، ۱۳۹۲).

مفهوم جمع سپاری مالی یا تأمین مالی جمعی از مفهوم عام تر جمع سپاری برگرفته و از دو بخش «برون سپاری» و «جمعی» تشکیل شده است و به معنای واگذاری انجام کارها به تعداد بسیاری از افراد است (Kleeman et al, 2008). سرمایه گذاری جمعی زیرمجموعه جمع سپاری از بعد مالی است که در آن بسیاری از افراد با انگیزه های مالی و غیرمالی به دنبال حمایت از طرح ها و ایده های نو هستند. تأمین مالی جمعی در مقایسه با روش های سنتی تأمین مالی، این امکان را به کارآفرینان می دهد تا سرمایه گذاران را به طور مستقیم جذب کنند (Gerber & Hui, 2013). تأمین مالی جمعی می تواند باعث جمع آوری سرمایه بیشتری از منابع سنتی برای محصول ارائه شده شود (Dingman, 2013). در سال های اخیر سازمان های مختلفی از جمله کارآفرینان، کسب و کارهای کوچک و سازمان های غیرانتفاعی به سمت استفاده از تأمین مالی جمعی رفته اند و بر این اساس محبوبیت و شهرت این روش بیش از پیش در حال افزایش است (Drake, 2015).

تأمین مالی جمعی در معنای امروزی خود شیوه نویی است که از هزاران سال پیش در جهان مرسوم بوده است. از سده ها پیش، انسان با این ظرفیت آشنا بوده و به شیوه های مختلف از سرمایه های خرد مردمی بهره مند شده است. تا پیش از اینکه ابزارهای مالی امروزی مانند بازار سهام، بانک و غیره پدیدار شوند، مردم در تجمعات خودجوش و مجامع عمومی، سرمایه های اندک خود را جمع آوری کرده و در اختیار فعالان اقتصادی قرار داده یا صرف امور خیریه، مصارف عمومی و عام المنفعه می کردند. تأمین هزینه برخی کنسرت های موسیقی موتزارت<sup>۱</sup> - آهنگساز اتریشی سده هجدهم میلادی - را می توان از جمله اولین پروژه هایی دانست که در دنیا به شیوه ای نزدیک به شیوه های امروزی تأمین مالی شده است. وی برای تشویق مردم به مشارکت در این فرآیند از هدایای مردمی کمک می گرفت و دست نوشته هایی از کارهای خود را به مشارکت کنندگان در این فعالیت اهدا می کرد (بهاری فر و همکاران، ۱۳۹۵)

1. Wolfgang Amadeus Mozart (1756 –1791).

به دلیل تأثیر جمع‌سپاری مالی<sup>۱</sup> بر پیش‌برد نوآوری، کارآفرینی و اشتغال، دانشگاه MIT در گزارش سال ۲۰۱۲ این نوآوری را یکی از ۱۰ فناوری برتر سال که جهان را متأثر خواهد کرد اعلام کرد (مهرنوش و بهرامی‌گرو، ۱۳۹۷). تأمین مالی جمعی همان طوفان مخرب خلاق شومپتری<sup>۲</sup> است که مسیرهای نویی را برای فعالیت اقتصادی کارآفرینان در زمان بحران اقتصادی جهانی (دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲) باز کرد. ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۰ به جهت آماده کردن زیرساخت‌های قانونی برای استفاده بهتر از ظرفیت بازارهای سرمایه عمومی از جمله تأمین مالی جمعی، اصلاحاتی در قوانین خود اعمال کرد.<sup>۳</sup> کشورهای اروپایی از جمله انگلستان و ایتالیا از سال ۲۰۱۳ قوانین و مقرراتی را برای تسهیل استفاده از این ابزار پر قدرت وضع کرده و بانک جهانی نیز آن را به عنوان ابزاری ارزشمند به کشورهای جهان سوم توصیه کرده است (InfoDev, 2012).

تأمین مالی جمعی در کشور ما تاریخچه طولانی دارد که از جمله می‌توان به مراسم گلریزان، صندوق‌های قرض‌الحسنه، تعاونی‌ها و غیره اشاره کرد. در حال حاضر علاوه بر اینکه شیوه‌های سنتی تأمین مالی جمعی در کشور ما باقی است، از طریق فناوری‌های نو همچون سامانه‌های اینترنتی و تلفن‌های همراه، روش‌های جدیدی برای تأمین مالی جمعی مانند بازسازی مکان‌های مقدس، جمع‌آوری مبالغی برای هزینه‌های بیماران تنگ‌دست و غیره از طریق کمک‌های مردمی به وجود آمده است که همگی نشانه برقراری فرهنگ تأمین مالی جمعی در کشور هستند (بهاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۵).

### 1. Crowd-funding.

۲. شومپتر درباره فرآیندی به نام «براندازی خلاق» است که در آن جست‌وجویی پیوسته برای آفرینش ایده‌های نوآورانه در جریان است. این جریان همزمان قوانین قدیمی را از بین می‌برد و قوانین جدید را جایگزین آن می‌کند. تمام اینها نتیجه جست‌وجو برای منابع جدید سود است (تید، ۱۳۹۴: ۲۲۰).

### 3. Jumpstart Our BusinessStartUps Act. 2012.112th Congress of the United States of America.

تأمین مالی جمعی در عرصه انتخابات نقش مهمی دارد. قوانین انتخاباتی ایران از حیث نظارت بر امور مالی انتخابات دارای نقائصی هستند که از جمله می توان به عدم نظارت کافی بر منابع مالی تأمین هزینه های انتخاباتی اشاره کرد. در «طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۷» به طور مفصل به منابع تأمین مالی تبلیغات و فعالیت های انتخاباتی پرداخته شده است. در ماده ۴۵ این طرح آمده است: «به منظور نظارت بر منابع مالی و نحوه تأمین مالی فعالیت های انتخاباتی و هزینه کرد آنها، هیچ شخص و یا نامزدی نمی تواند اقدام به دریافت یا پرداخت کمک مالی نقدی یا غیرنقدی جهت تأمین منابع مالی فعالیت های انتخاباتی و هزینه کرد آنها نماید مگر به صورتی که در این قانون مقرر شده است». در این طرح برای تخلف از مواد مربوط به این بخش، ضمانت اجراهای کیفری پیش بینی شده است. همچنین، می توان به نقش پررنگ تأمین مالی جمعی در امور خیریه اشاره کرد. مؤسسات خیریه می توانند طرح های خیریه خود را در پلتفرم های<sup>۱</sup> تأمین مالی جمعی که ساده ترین شکل آن یک وب سایت است به عموم مردم معرفی کنند. تأمین مالی امور خیر در دنیا بیشتر به شکل اهدا و پاداش انجام می گیرد (حسن زاده سروسستانی، تمیزی فر و سیمپاری، ۱۳۹۷: ۷۲ و ۷۴). تأمین مالی جمعی می تواند بستری برای ارتکاب بزه هایی مانند تأمین مالی تروریسم و پولشویی باشد.

از سوی دیگر در ماده یک قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ رفتارهایی به عنوان رفتار تروریستی معرفی شده اند که تشخیص تروریستی بودن آنها بر عهده شورای عالی امنیت ملی است؛ از جمله این رفتارها می توان به ارتکاب یا تهدید به ارتکاب اقدامات خشونت آمیز مانند قتل، سوء قصد، ارتکاب خرابکاری در اموال و تأسیسات عمومی، ارتکاب اعمال خطرناک بر ضد ایمنی هواپیما یا هوانوردی اشاره کرد. طبق شاخص تروریسم

۱. پلتفرم ها واسطه هایی هستند که تعاملات را تسهیل می کنند. «بازار» های سنتی موجود در شهرها نمونه های قدیمی از پلتفرم ها هستند که کارکردشان کاهش هزینه مبادله خریدار و فروشنده است (پارکر و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۳). طبق بند ۴ ماده ۱ دستورالعمل تأمین مالی جمعی مصوب ۱۳۹۷: «سکو: پلتفرمی است که برای تأمین مالی جمعی توسط عامل ایجاد شده است و اطلاعات لازم بر اساس مفاد این دستورالعمل در آن منتشر می شود».

در سال ۲۰۱۸ بیشترین کشورهایی که تحت تأثیر تروریسم قرار گرفته‌اند به ترتیب عراق، افغانستان، نیجریه، سوریه، پاکستان و سومالی بوده‌اند (Institute for Economics and Peace, 2018: 8). با توجه به اینکه انجام اقدامات تروریستی هزینه‌های زیادی را دربر دارد، گروه‌های تروریستی به شیوه‌های مختلف منابعی را برای تأمین این هزینه‌ها پیش‌بینی می‌کنند. این منابع از چند راه عمده بدست می‌آیند که عبارتند از حمایت دولت‌ها، فعالیت‌های قانونی، فعالیت‌های غیرقانونی، کمک‌های خیریه و داوطلبانه و کمک‌های غیرداوطلبانه (فامیل‌زوار جلالی، ۱۳۹۵: ۹۶).

در توصیه شماره ۵ از مجموعه توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF) به کشورها توصیه شده است که بر اساس کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم نسبت به جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم اقدام کنند (FATF Recommendations, 2012: 11). در ماده یک قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اصلاحی ۱۳۹۷ تأمین مالی تروریسم اینگونه تعریف شده است: «تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام اعمال زیر یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می‌شود». در بند یک ماده دو کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم این جرم بدین گونه تعریف شده است که «هرکس به هر وسیله اعم از مستقیم یا غیرمستقیم و به طور غیرقانونی و عمدتاً وجوهی را تهیه یا جمع‌آوری کند به قصد اینکه تمامی آن یا بخشی از آن را در یکی از دو مورد ذیل صرف‌گردد یا با علم به این موضوع اقدام کند مرتکب این جرم شده است: الف) عملی که در چهارچوب یکی از پیمان‌های پیوسته شده به این کنوانسیون جرم تلقی شده باشد. ب) هر اقدام دیگری که به قصد کشتن یا وارد آوردن جراحات شدید جسمانی به افراد غیرنظامی وارد شود» (International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, )

(1999). برخی از نویسندگان بین تأمین مالی تروریسم و حمایت مالی از تروریسم تفاوت قائل شده‌اند و معتقدند: «اشخاصی که بدون اغراض حمایتی و با اهداف سودجویانه با گروه‌های تروریستی داد و ستد و تعاملات مالی دارند مشارکت‌کنندگان در تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شوند و نه حامی مالی تروریسم. بنابراین حمایت مالی از تروریسم بخشی از تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شود و رابطه این دو عموم و خصوص مطلق است» (شمس ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۶۱).

کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹ و قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت مصوب ۲۰۰۱ از جمله مهم‌ترین اسناد جهانی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم هستند. مجمع عمومی سازمان ملل چندین کنوانسیون ضد تروریستی تصویب کرده که از میان آنها کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ مستقیماً راجع به موضوع تأمین مالی تروریسم است. همچنین، در این خصوص می‌توان به قطعنامه شماره ۱۲۶۷ شورای امنیت سازمان ملل اشاره کرد. در قسمت (ب) بند ۴ قطعنامه شماره ۱۲۶۷ شورای امنیت آمده است که تمام دولت‌ها باید منابع مالی متعلق به یا تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم طالبان یا شرکت‌های متعلق به یا تحت کنترل آنها را مسدود و توقیف کند (Security Council Resolution, 1999: 1267). بندهای ۱ و ۲ قطعنامه شماره ۱۳۷۳ شورای امنیت به لزوم پیشگیری و سرکوب تأمین مالی اقدامات تروریستی و جرم‌انگاری این رفتار و انسداد و توقیف منابع مالی مربوط اشاره دارند (Security Council Resolution, 2001: 1373).

مبارزه با تأمین مالی تروریسم از یک سری مبانی برخوردار است؛ از جمله این مبانی می‌توان به مبانی حقوق بشری و تکلیف دولت‌ها در تأمین امنیت افراد، اجرای تدابیر پیشگیرانه و کیفری مقابله با تروریسم، تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در مقابله با این امر و غیره اشاره کرد (اسلامی، ۱۳۹۵: ۳۴). همچنین، از لحاظ فقهی می‌توان برای مقابله با تأمین مالی تروریسم مبانی‌ای یافت، که حرمت اعانه بر اثم، قاعده لاضرر، ملازمات عقلی و مصلحت از این جمله‌اند. یکی از این مبانی حرمت اعانه بر اثم است. تروریسم معادل فقهی ندارد و عناوینی مانند محاربه، افساد



فی الارض، فتک و اغتیال از جمله مصادیق تروریسم هستند. بر این اساس، تأمین مالی تروریسم هم نوعی کمک و اعانت بر اثم محسوب می‌شود و طبق قاعده فقهی «لکل معصیه تعزیر» حمایت مالی از تروریسم جرم است (اسلامی، ۱۳۹۵: ۲۵۸).

پیوند مفهومی تأمین مالی جمعی و تأمین مالی تروریسم اینجا آشکار می‌شود که همانطور که در تأمین مالی جمعی برای پیش‌برد پروژه و کسب و کارها از منابع مالی مردمی استفاده می‌شود، در تأمین مالی تروریسم هم یکی از شیوه‌های جمع‌آوری منابع به همین شکل است. در این خصوص می‌توان به مؤسسات خیریه اشاره کرد که اعتماد مردم را بدست آورده و از این طریق منابع قابل توجهی را برای انجام اقدامات تروریستی خود جمع‌آوری می‌کنند. به عنوان مثال، می‌توان به سازمان تروریستی القاعده اشاره کرد که برای حملات تروریستی یازده سپتامبر از مؤسسات مالی و سازمان‌های خیریه حوزه خلیج فارس کمک گرفته بود (فامیل‌زوار جلالی، ۱۳۹۵: ۱۰۱). به طور کلی تأمین‌کنندگان مالی تروریست‌ها به دو دسته دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شوند. منشأ درآمد تأمین‌کنندگان دولتی از بودجه کشور است و منشأ درآمد تأمین‌کنندگان غیردولتی یا از طرق قانونی مانند درآمدهای مشاغل قانونی، امور خیریه، هبه یا از طریق غیرقانونی مانند قاچاق، اختلاس، تصرف عدوانی و غیره است (فامیل‌زوار جلالی، ۱۳۹۵: ۹۱). توصیه شماره ۸ از مجموعه توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF) به این امر اشاره دارد که سازمان‌های غیرانتفاعی ممکن است پوششی برای تأمین مالی تروریسم باشند و کشورها باید مقررات مربوط به این نهادها را مورد بازنگری قرار دهند تا از این امر پیشگیری کنند (FATF Recommendations, 2012: 11). در ماده ۲۰ آیین‌نامه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۶ هم به امکان سوءاستفاده از سازمان‌های غیرانتفاعی و خیریه‌ها به عنوان پوششی برای تأمین مالی تروریسم و لزوم اتخاذ تدابیری برای پیشگیری از این امر اشاره شده است. الگوی تأمین مالی تروریسم در سال‌های اخیر تغییر کرده و گروه‌های تروریستی برای تأمین هزینه‌های خود به شیوه‌های جدید متوسل می‌شوند. در این زمینه می‌توان به تأمین مالی جمعی اشاره کرد که می‌تواند به عنوان بستری برای تأمین مالی تروریسم محقق شود.

## ۲. بسترهای تأمین مالی جمعی برای تأمین مالی تروریسم

تأمین مالی جمعی از یک سو دارای فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی برای باروری ایده‌های نوآورانه اقتصادی است و از سوی دیگر در صورت عدم کنترل و هدایت صحیح آن، می‌تواند به عنوان بستری برای ارتکاب برخی جرایم باشد. به بیان ساده، تأمین مالی جمعی<sup>۱</sup> تحصیل سرمایه مورد نیاز یک پروژه یا بنگاه اقتصادی از گروه بزرگی از افراد به جای گروه‌های حرفه‌ای (مانند بانک) است (Kleeman, 2008). این روش تأمین مالی نتیجه پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات از طریق وب و تبادل وجوه در بستر اینترنت برای جمع‌آوری وجوه و اموال مردم است. در این روش فرد متقاضی وجوه پروژه خود را در درگاه (واسطه اینترنتی) تأمین مالی جمعی بیان می‌کند. افراد در روش‌های مرسوم سرمایه مالی را به صورت غیرمستقیم از پس‌اندازهایی که در بانک موجودند بدست می‌آورند، اما تأمین مالی جمعی بر عکس این روش است، زیرا فرآیند تحصیل سرمایه بدون هیچ واسطه‌ای انجام می‌گیرد؛ کارآفرینان از جمعیت مردم بهره‌برداری کرده و مستقیماً از آنها پول می‌گیرند و روش مرسوم ارتباطی آنها به صورت اینترنتی است (Lambert et al, 2010). انواع مختلفی از تأمین مالی وجود دارند که در این زمینه می‌توان به چهار نوع تأمین مالی اشاره کرد: مدل کمک مالی، مدل پاداش، مدل وام و مدل سهام.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر به طور کلی دو دسته از تهدیدات متوجه تأمین مالی جمعی است؛ دسته اول مربوط به مسائل اقتصادی و مدیریتی و دسته دوم هم مربوط به مسائل حقوقی است. در مورد

۱. در مدل کمک مالی، هدف جمع کردن سرمایه‌های کوچک برای تأمین مالی پروژه‌ها است. در این روش گیرنده کمک هیچ سودی را به کمک‌کنندگان نمی‌پردازد. مدل پاداش از یک سو به عنوان حمایت جمعی و از سوی دیگر به عنوان پیش‌فروش یا پیش‌سفارش مطرح می‌شود، اگرچه پرداخت مادی در حمایت‌های جمعی انجام نمی‌شود، مزایای مثبت غیرمادی برای حامیان ایجاد می‌شود، مانند ذکر نام حامیان در فیلم‌ها؛ در حالی که در حالت پیش‌فروش یا پیش‌سفارش، پرداخت مادی منتظر است. در مدل وام، وام‌های کوچک در بستر خاصی ارائه می‌شوند، بدین شکل که سرمایه‌گذاران نرخ ثابتی از بهره را در قبال ارائه وام دریافت خواهند کرد. در مدل سهام به سرمایه‌گذاران سهام تخصیص داده می‌شود. در این روش که موسوم به سرمایه‌گذاری جمعی است سرمایه‌گذاران سودی را در قبال مشارکت خود از انجام پروژه و یا تولید محصول دریافت می‌کنند (Hemer, 2011؛ خانی‌زاد، ۱۳۹۴).

تهدیدات دسته اول باید گفت اگرچه سرمایه‌گذاری جمعی مزایای زیادی دارد، تهدیداتی هم برای سرمایه‌گذاران هم برای کارآفرینان دارد. اولین خطر برای کارآفرینان احتمال شکست پروژه آنها به خاطر عدم تأمین کامل مالی است. خطر دیگر به علت ماهیت اینترنتی و عمومی این نوع از سرمایه‌گذاری جمعی است که با دسترس قرار گرفتن ایده‌های کارآفرین برای مردم ممکن است از لحاظ مالکیت فکری مشکلات حقوقی مانند سرقت ایده‌ها پیش آید. مورد آخر که بیشتر متوجه کارآفرینانی است که از تجربه زیادی در سرمایه‌گذاری جمعی برخوردار نیستند سهل‌انگاری در هزینه‌های حسابداری و اداری این روش و روش‌های سنتی تأمین مالی است، که اعتبار کارآفرین را به خطر می‌اندازد، به طور مثال اشتباه در تعیین مبلغ لازم برای تأمین مالی (European Commission, 2015).

شرکت‌ها و افرادی که در سرمایه‌گذاری‌های جمعی همراه با بازگشت سرمایه شرکت می‌کنند ممکن است در معرض خطر اعتباری قرار گیرند. در سرمایه‌گذاری جمعی از نوع مدل وام ممکن است شرکت یا افراد دریافت‌کننده سرمایه وام یا وثیقه خود را نتوانند پرداخت کنند. در مورد مدل مبتنی بر سهام، ریسک اعتباری ممکن است باعث از دست رفتن سرمایه سهامداران شود (Kirby & Warner, 2014).

در مورد تهدیدات دسته دوم، تأمین مالی جمعی ممکن است بیشتر از سه لحاظ مورد تهدید قرار گیرد: تأمین مالی تروریسم، پولشویی و سرقت ایده‌ها. در واقع، از یک سو ممکن است ایده نوآورانه تأمین مالی جمعی که برای انجام پروژه جمع‌آوری شده‌اند برای تأمین مالی تروریسم واقع شده و مبالغ و سرمایه‌هایی که برای انجام پروژه جمع‌آوری شده‌اند برای تأمین مالی تروریسم استفاده شوند و از سوی دیگر تشکیلاتی که برای تأمین مالی جمعی در نظر گرفته شده‌اند ممکن است پوششی باشند برای پولشویی. همچنین ایده نوآورانه‌ای که مطرح شده ممکن است مورد سرقت واقع شود و بحث مالکیت فکری آن پیش می‌آید. اینها مسائل حقوقی است که می‌توانند

## 1. Default Risk.

در ارتباط با تأمین مالی جمعی مطرح شوند. در این پژوهش به موضوع تأمین مالی تروریسم مرتبط با تأمین مالی جمعی می‌پردازیم.

تأمین مالی تروریسم بیشتر با سه روش انجام می‌گیرد: ۱- جلب حمایت‌های مالی؛ ۲- تولید سرمایه؛ و ۳- انتقال سرمایه (اسلامی، ۱۳۹۵: ۵۴). از نظر برخی از نویسندگان تأمین مالی تروریسم دارای سه مرحله است: مرحله استقرار، مرحله لایه‌گذاری و مرحله انتقال. در مرحله استقرار که حساس‌ترین و مهم‌ترین مرحله است وجوه و اموال مورد نظر برای تأمین مالی تروریسم وارد سیستم مالی می‌شوند. نهادهای نظارتی می‌توانند به راحتی با ابزارهای کنترلی و نظارتی مانند احراز هویت مشتری، گزارش نقل و انتقالات پولی غیرمتعارف و غیره باعث پیشگیری در این مرحله شوند. مرحله بعدی لایه‌گذاری است که در این مرحله با انجام نقل و انتقالات بین بانکی و معاملات عدیده و پیچیده تلاش می‌شود منشأ مال قابل شناسایی نباشد. برای پیشگیری در این مرحله می‌توان سیستم‌های بانکداری را طوری تنظیم کرد که تمام نقل و انتقالات قابل ردیابی باشند. در مرحله انتقال که آخرین مرحله است اموالی و وجوهی که از طرف حامیان تأمین شده به تروریست‌ها منتقل می‌شوند، که در این مرحله هم می‌توان با ابزارهایی مانند مصادره از آن پیشگیری کرد (اسلامی، ۱۳۹۵: ۶۸-۷۰). ایرادی که بر این تقسیم‌بندی وارد است اینکه مراحل سه‌گانه یادشده در اصل مختص جرم پولشویی هستند و این امر نباید باعث خلط مباحث با پولشویی شود.

رفتارهای این جرم طبق ماده یک قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ عبارتند از: تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال، مصرف منابع مالی حاصله، افتتاح حساب، تأمین اعتبار و غیره. به نظر می‌رسد مراد از تهیه وجوه این باشد که وجوه در دسترس و اختیار تروریست‌ها قرار داده شود، در حالی که جمع‌آوری وجوه به معنای تمرکز وجوه است بدون اینکه لزوماً این وجوه بالفعل در اختیار تروریست‌ها قرار گیرند (اسلامی، ۱۳۹۵: ۲۰۸). مجازات این جرم طبق ماده ۲ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ بدین قرار است: «تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی الارض

تلقی شود، مرتکب به مجازات آن محکوم می‌شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال و در صورت عدم وجود عین اموال معادل ارزش آن به نفع دولت، به مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین شده محکوم می‌شود». در بحث تأمین مالی تروریسم از طریق تأمین مالی جمعی، رفتار ارتكابی عبارت است از گردآوری وجوه از مردم (تأمین کنندگان)؛ اگر تأمین کنندگان به اینکه قرار است این وجوه در تأمین مالی تروریسم مصرف شود آگاهی داشته باشند مباشر در این جرم تلقی می‌شوند.

از جمله ویژگی‌های این جرم مطلق بودن آن است. این امر به دلیل ماهیت خطرناک این جرم است که برای جرم‌انگاری آن احتیاجی به وقوع نتیجه خاصی نیست. به این امر در بند سه ماده دو کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اشاره شده است که طبق آن لازم نیست وجوه در عمل جهت ارتكاب جرایم مذکور در پاراگراف‌های فرعی (الف) و (ب) پاراگراف یک ماده یک هزینه شده باشند (International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999). بند ۶ مربوط به یادداشت‌های تفسیری ناظر به توصیه شماره ۵ به مطلق بودن این جرم اشاره دارد و بیان می‌دارد که منابع مالی‌ای که برای تأمین مالی تروریسم گردآوری شده‌اند لازم نیست که در عمل برای اقدامات تروریستی استفاده شوند بلکه صرف این رفتار جرم است (FATF Recommendations, 2012: 35). همچنین، بند ۹ مربوط به یادداشت‌های تفسیری ناظر به توصیه شماره ۵ به جرم بودن تأمین مالی تروریسم اشاره دارد فارغ از اینکه سازمان‌های تروریستی در کجا واقع شده‌اند یا رفتارهای تروریستی در کجا صورت گرفته‌اند (FATF Recommendations, 2012: 36). البته در ماده یک قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ به رفتار «تهیه یا جمع‌آوری (...) و یا مصرف» اشاره شده که رفتار «تهیه یا جمع‌آوری» مطلق و رفتار «مصرف» مقید است. همچنین، تبصره یک قانون یادشده مقرر می‌دارد: «هر شخصی که وجوه یا اموالی را با اهداف مذکور در صدر این ماده تهیه یا جمع‌آوری نماید و قبل از مصرف یا استفاده یا ارائه به افراد یا سازمان‌های تروریستی به واسطه عامل خارج از اراده وی قصدش معلق بماند، نیز تأمین‌کننده مالی تروریسم محسوب می‌شود».

بند ۹ مربوط به یادداشت‌های تفسیری ناظر به توصیه شماره ۵ تصریح می‌کند که اشخاص حقوقی هم در رابطه با این جرم ممکن است حسب مورد مسئولیت کیفری، حقوقی یا اداری داشته باشند (FATF Recommendations, 2012: 35). ماده ۵ کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم هم به مسئولیت کیفری، حقوقی و اداری اشخاص حقوقی مرتکب این جرم اشاره کرده است (International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999). به عنوان نمونه‌ای از تأمین مالی تروریست توسط اشخاص حقوقی می‌توان به دولت‌ها اشاره کرد. حمایت مالی از تروریست‌ها توسط دولت‌ها مصداق جنایات علیه بشریت است، که معاونت در جنایات علیه بشریت متوجه رهبران این کشورهاست. طبق ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، رهبران دولت‌های حامی گروه‌های تروریستی مسئولیت کیفری دارند و شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند موضوع را برای شروع به تعقیب به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع دهد (رهامی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲۹ و ۲۳۳). سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر دولتی از تروریست‌ها حمایت کند، فارغ از مواجه شدن با تحریم‌ها و اقدامات قهری شورای امنیت سازمان ملل، آیا می‌توان اعمال تروریستی را منتسب به دولت کرد؟ در پاسخ باید قائل به تفکیک شد. حالت اول اینکه فرد یا گروه مورد حمایت سازمان یافته نیست. در این حالت اقدام صورت گرفته را نمی‌توان به دولت حامی آن فرد یا گروه منتسب کرد مگر اینکه اثبات شود دولت کنترل مؤثری بر اعمال فرد یا گروه تروریستی غیرسازمان یافته داشته است. کنترل مؤثر به این معناست که علاوه بر تأمین مالی باید حمایت‌های لجستیکی، آموزش و نظارت هم به عمل آمده و دستورهای خاصی برای انجام اقدامات تروریستی صادر شده باشند. اگر دولتی حامی تروریست‌ها کنترل مؤثر بر آنها نداشته باشد فقط مشمول تحریم‌های شورای امنیت قرار می‌گیرد. حالت دوم اینکه فرد یا گروه مورد حمایت سازمان یافته و دارای تشکیلات و سلسله‌مراتب است. در چنین حالتی صرف تأمین مالی از سوی دولت یا آموزش و نظارت بر آنها (کنترل کلی) برای انتساب اعمال تروریست‌ها به دولت‌های حامی کفایت می‌کند و نیازی به کنترل مؤثر یا صدور دستورهای خاص و هدایت مستقیم آنها نیست (الهویی نظری و فامیل زوار جلالی، ۱۳۹۶: ۷۴۲).

ماده ۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ تأکید می‌کند که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مرتکب این جرایم طبق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برقرار است. تأمین مالی جمعی در بیشتر موارد در قالب شخص حقوقی صورت می‌گیرد و بر این اساس اگر تأمین مالی تروریسم در قالب تأمین مالی جمعی رخ دهد شخص حقوقی مسئولیت کیفری دارد و به یکی از ضمانات اجراهای مذکور در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم می‌شود.

### ۳. کنترل تأمین مالی جمعی در برابر تأمین مالی تروریسم

وضع قوانین مختلف برای کنترل و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود که نوآوری و ایده کسب و کار کمرنگ شود. بخشنامه‌ای شدن اقتصاد و غل و زنجیر بستن بدان با قوانین متعدّد و دخالت حداکثری دولت در این حوزه باعث رکود و عدم پیشرفت در اقتصاد می‌شود که نمونه آن را در کشورهای جهان سوّم شاهد هستیم. اگر به تاریخچه تأمین مالی جمعی در آمریکا بنگریم پی می‌بریم که ایده نوآورانه تأمین مالی جمعی با بخشنامه و دستور دولت به وجود نیامده بلکه با ذهن آزاد و خلاق افراد جامعه به وجود آمده است و پس از اینکه این پدیده رونق گرفت برای آن قانونی وضع شد.<sup>۱</sup> اما در ایران بدون اینکه اصلاً اقدامی برای این نوع از تأمین مالی جمعی از سوی افراد جامعه آغاز شود ابتدا به ساکن قانونی برای کنترل و نظارت بر آن وضع شد. این امر را می‌توان از لحاظ اقتصادی بررسی کرد که چه آثاری منفی می‌تواند داشته باشد. اما از سوی دیگر می‌توان گفت که واضعان این دستورالعمل خواسته‌اند تا با وضع این مقرره از سوءاستفاده‌هایی که ممکن است از پدیده تأمین مالی جمعی صورت گیرد پیشگیری کنند. در واقع، برخی از گروه‌های تروریستی برای تأمین مالی اقدامات خود از گروه‌های مردمی هوادار

۱. در سال ۲۰۱۲، در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما، قانونی تصویب شد که تحوّل در عرصه پلتفرم‌های تأمین مالی جمعی محسوب می‌شود. با اجرای قانون جابز (JOBS Act-Jumpstart Our Business Startups Act) (آغاز جهش کسب و کارهای استارت‌آپی)، امکان مشارکت مردم در سهام شرکت‌ها در قبال تأمین مالی پروژه‌ها فراهم شد.

خویش که شبیه تأمین مالی جمعی عمل می‌کردند کمک می‌گرفتند. یکی از دلایل دخالت و نظارت دولت در اقتصاد را می‌توان در ارتباط با اهمیت امنیت جامعه دانست. از آنجا که تأمین مالی جمعی می‌تواند بستری برای ارتکاب جرایمی مانند تأمین مالی تروریسم باشد، در اینجاست که با حقوق کیفری امنیت‌محور مواجه می‌شویم. در این بخش نگاهی به رویکرد امنیت‌محور در جرم تأمین مالی تروریسم خواهیم انداخت و سپس دو نوع از کنترل را نسبت به تأمین مالی جمعی (کنترل پیشینی و کنترل پسینی) برای پیشگیری از بسترسازی این پدیده برای تأمین مالی تروریسم بررسی خواهیم کرد.

### ۳-۱. رویکرد امنیتی نسبت به تأمین مالی تروریسم

پس از رخداد یازده سپتامبر تعادل بین حقوق فردی و امنیت جامعه برهم خورد و در ارتباط با جرایم تروریستی امنیت جامعه نسبت به حقوق افراد برتری داده شد. در واقع، نه تنها حق برخورداری از امنیت به جای حق حمایت از بزه‌دیده و بازپروری بزه‌کار مطرح شد بلکه فراتر از آن، حق برخورداری از امنیت جایگزین حق متهم بر دادرسی عادلانه شد. اما باید گفت که حقوق افراد جامعه و امنیت جامعه در عرض هم قرار دارند و منافاتی با هم ندارند. عدم رعایت دادرسی عادلانه موجب سوءاستفاده‌های سیاسی می‌شود (قدیری بهرام آبادی، ۱۳۹۶: ۱۵۴ و ۱۷۰). در جرایم تروریستی که حقوق کیفری شکلی چهره امنیتی به خود می‌گیرد مفهوم امنیتی شدن نسبت به شهروندان در کنترل و نظارت بر آنها صورت می‌گیرد ولی سخت‌گیری در فرایند رسیدگی کیفری نسبت به متهمان یا محکومان جرایم تروریستی صورت می‌گیرد (عالی‌پور، ۱۳۸۸: ۹).

در برخی از جرایم از اصل براءت عدول و اماره مجرمیت حاکم می‌شود. از جمله مبانی اماره مجرمیت، ضرورت تسهیل اثبات جرایم پیچیده و خطرناک است. مثلاً صرف عضویت در سازمان‌های تروریستی دلالت بر علم و آگاهی شخص از اهداف و کارکرد این سازمان دارد و شخص برای تبرئه خود باید خلاف آن را اثبات کند (اکبری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴). از جمله



مبانی عدول از اصل برائت و گرایش به اماره مجرمیت در این دسته از جرائم می‌توان به لزوم حفظ مصلحت و نظم عمومی، لزوم تسهیل اثبات جرائم پیچیده و خطرناک، اقتضای عدالت کیفری، امنیت محور شدن برخی جرایم، لزوم حمایت از بزه‌دیدگان خاص و غیره اشاره کرد (اکبری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۵). البته باید گفت که این امر به دلیل جایگزینی اماره مجرمیت به جای اصل برائت نیست بلکه در اینجا اصل برائت نیز جاری است ولی اهمیت جرم شخص را با کمترین ظن در جایگاه متهم قرار داده است (عالی‌پور، الف) (۱۳۸۸: ۲۱). در واقع، «سخت‌گیری نسبت به تروریست‌ها بیشتر چهره‌شکلی دارد، زیرا آیین دادرسی کیفری استواری حقوق کیفری ماهوی و یکسانی آن را ندارد و گاه‌گاه شیوه‌های رسیدگی با توجه به مرتکب یا چستی بزه، دگرگون می‌شوند» (عالی‌پور، ب) (۱۳۸۸: ۹۰). از طرفی مقامات سیاسی برخی از دولت‌ها ممکن است به بهانه تأمین امنیت، در تمام مراحل مرتبط با تأمین مالی تروریسم همچون جرم‌انگاری، رسیدگی و غیره دخالت کنند؛ در حالی که وظیفه مقامات دولتی و سیاسی دخالت تا قبل از تأمین مالی تروریسم و تأمین امنیت در این مرحله است و مرحله پس از تأمین مالی تروریسم به عهده مراجع و مقامات قضایی یعنی دادرسان است (میرمحمدصادقی و قدیری بهرام‌آبادی، ۱۳۹۴: ۳۷). بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم حقوقی را برای متهمان این دسته از جرایم در نظر گرفته است: تماس حاصل کردن با نزدیک‌ترین نمایندگان کشوری که از اتباع آن است، ملاقات از سوی نماینده آن کشور و اطلاع از این دو حق خود. همچنین، به موجب بند ۶ ماده فوق هرگاه کشورهای عضو این کنوانسیون فردی را بازداشت کنند باید فوراً بازداشت شخص و علت آن را مستقیماً یا از طریق دبیر کل سازمان ملل به اطلاع کشوری که طبق ماده ۷ صالح به رسیدگی است برساند (International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999). پس از حادثه یازده سپتامبر حقوق کیفری امنیت مدار (دشمن مدار) پدید آمد. در این رویکرد به علت طبع جرم تأمین مالی تروریسم و خطراتی که ممکن است متوجه جامعه شوند، الزامات حقوق بشری در مراحل تحقیقات مقدماتی، دادرسی کیفری و اجرای حکم با استثنائاتی روبرو هستند (اسلامی، ۱۳۹۵: ۱۲۲). برخی از نویسندگان معتقدند که استانداردهای

حقوق بشری دربارهٔ تروریست‌ها و وابستگان به آنها توسط دولت‌ها باید رعایت شوند. از جمله این حقوق، حق شکنجه نشدن، آزادی بیان، حق حفظ حریم خصوصی، حق برخورداری از یک محاکمهٔ منصفانه و غیره است؛ فقط در برخی شرایط اضطراری که در آن حیات ملت تهدید می‌شود با استناد به مادهٔ ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی امکان تعلیق برخی از قواعد حقوق بشری وجود دارد. البته در این حالت هم امکان تعلیق تمام حقوق افراد وجود ندارد (بزرگمهری و کیارستمی، ۱۳۹۶: ۲۷۴). در مادهٔ ۱۷ کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم هم به برخورد عادلانه با افرادی که در اثر ارتکاب این جرم بازداشت می‌شوند و لزوم رعایت حقوق بشر در مورد آنها تأکید شده است.

از یک سو با توجه به پیش‌زمینه‌های اجتماعی و ایدئولوژیکی تروریسم و از سوی دیگر با توجه به روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل، منحصر کردن مقابله با پدیدهٔ تروریسم به شیوه‌های نظامی کافی نیست بلکه از آنجا که تروریسم نشئت گرفته از عوامل اقتصادی، فرهنگی، ایدئولوژیک و غیره است، لزوم مبارزه با ریشه‌های تروریسم از اهمیت بسزایی برخوردار است (شریفی طراز کوهی و فتح پور، ۱۳۹۶: ۲۲۶). راهبرد دیگر راهبرد پیشگیرانه نسبت به این پدیده است که خود به دو نوع پیشگیری کنشی و واکنشی تقسیم می‌شود. تدابیر پیشگیرانهٔ کنشی به دو دسته کلی پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی تقسیم می‌شوند. در پیشگیری وضعی با مدیریت موقعیت، هدف کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم از طریق سخت کردن ارتکاب و کاهش جذابیت در بزه‌دیده است. پیشگیری وضعی به دلیل زودبازده بودن مورد استقبال بیشتر کشورها قرار گرفته است. در پیشگیری اجتماعی به محیط زندگی اجتماعی افراد و امور زیربنایی مانند حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه می‌شود. پیشگیری اجتماعی به دلیل ماهیت خود که احتیاج به سرمایه‌گذاری‌های عظیم دارد و بلندمدت است کمتر مورد توجه است. البته در برخی از جرایم مانند جرایم تروریستی اولویت پیشگیری وضعی بر پیشگیری اجتماعی قابل توجه است، اما این امر نباید باعث شود که پیشگیری اجتماعی در حاشیه قرار گیرد (قماش و عارفی، ۱۳۹۶:

۸۷). برای جلوگیری از اینکه تأمین مالی جمعی بستری برای تأمین مالی تروریسم باشد می‌توان دو نوع از کنترل را نسبت به پدیده تأمین مالی جمعی اعمال کرد: کنترل پیشینی و کنترل پسینی.

### ۲-۳. کنترل پیشینی تأمین مالی جمعی

در کنترل پیشینی تأمین مالی جمعی اقداماتی باید صورت گیرند که میزان احتمال سوءاستفاده از این پدیده و تأمین مالی تروریسم کاهش یابد. کنترل پیشینی ناظر به مرحله پیش از انتقال وجوه و اموال به تروریست‌ها و کنترل پسینی هم مربوط به مرحله پس از انتقال وجوه و اموال به تروریست‌هاست. در مرحله پسینی با ابزارهایی مانند توقیف و مصادره می‌توان این امر را کنترل کرد.

کنترل پیشینی توسط نهادهای نظارتی با ابزارهای کنترلی و نظارتی مانند احراز هویت مشتری، گزارش نقل و انتقالات پولی غیرمتعارف، تقویت سیستم بانکداری به منظور ردیابی نقل و انتقالات و غیره صورت می‌گیرد. اقدامات پیشینی کنترل تأمین مالی جمعی به خوبی در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ و آیین‌نامه آن مصوب ۱۳۹۶ و به ویژه دستورالعمل تأمین مالی جمعی مصوب ۱۳۹۷ منعکس شده است. ماده ۱۸ کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به پیشگیری وضعی از این جرم اشاره دارد. از جمله می‌توان به لزوم اتخاذ اقداماتی از سوی مؤسسات پولی و مالی جهت شناسایی معاملات غیرعادی یا مشکوک و گزارش آن و تشخیص موجودیت اشخاص حقوقی از طریق مراجع ثبتی، شناسایی وضعیت حقوقی و آدرس آنها و غیره اشاره کرد (International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999). همچنین، می‌توان به ماده ۳ دستورالعمل تأمین مالی جمعی مصوب ۱۳۹۷ اشاره کرد که به لزوم اخذ مجوز فعالیت از سوی عامل<sup>۱</sup> تأکید کرده است. در تبصره ۳ ماده ۴ دستورالعمل مذکور تصریح شده که فهرست نهادهای مالی مجاز به فعالیت

۱. طبق بند ۳ ماده ۱ دستورالعمل فوق، «عامل: شخص حقوقی است که طبق الزامات این دستورالعمل اقدام به تأمین مالی جمعی می‌نماید».

در تأمین مالی جمعی ظرف مدت ۲ ماه به تصویب سازمان بورس و اوراق بهادار خواهد رسید. از سوی دیگر می‌توان به پیشگیری ریسک محور اشاره کرد که در این روش ریسک‌هایی که از ناحیه مشتریان، خدمات، محصول، مناطق جغرافیایی و غیره وجود دارند ارزیابی شده و مشتریان به سه گروه کم ریسک، ریسک میانه و پر ریسک تقسیم می‌شوند. مشتریانی که دارای ریسک بیشتری هستند به طور مرتب شناسایی می‌شوند، مانند مشتریان خارجی که در کشورهای در مجاورت مناطق پرخطر از نظر پولشویی قرار دارند (اسلامی، ۱۳۹۵: ۲۳۰). در تبصره یک و دو ماده ۲ آیین‌نامه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۶ به بحث ارزیابی خطر (ریسک) ارباب رجوع و تعیین سطح آن پرداخته شده و مقرر شده است که نسبت به ارباب رجوع با خطر و ریسک بالاتر باید شناسایی کامل صورت گیرد. در فصل سوم آیین‌نامه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۶ به پایش و نظارت مستمر نسبت به عملیات و معاملات مشکوک بر اساس میزان خطر و ریسک ارباب رجوع تأکید شده است.

در ماده ۱۶ دستورالعمل تأمین مالی جمعی مصوب ۱۳۹۷ به لزوم ارائه مدارک ثبتی شخصیت حقوقی عامل، گواهی عدم سوء پیشینه اعضای هیئت مدیره، ارائه اطلاعات حساب بانکی مربوط به فعالیت تأمین مالی جمعی و غیره اشاره شده است. همچنین، انتخاب ناظر فنی/مالی به منظور ارزیابی اولیه و بررسی پیشرفت کار در بند هـ ماده ۲۱ دستورالعمل فوق الزامی است. ماده ۷ دستورالعمل فوق که درباره مراحل تأمین مالی جمعی است به لزوم ارزیابی متقاضی و طرح توسط عامل یا ناظر، دریافت مستندات و اطلاعات متقاضی و غیره اشاره دارد که به منظور نظارت بر فرایند تأمین مالی جمعی صورت می‌گیرد. تمام مقررات فوق را می‌توان در راستای پیشگیری وضعی محسوب کرد. علاوه بر موارد بالا می‌توان به موادی از دستورالعمل تأمین مالی جمعی به عنوان پیشگیری وضعی اشاره کرد: بررسی و ارزیابی حسن سابقه متقاضی در طرح‌های قبلی تأمین مالی جمعی (ماده ۲۳)، لزوم پرداخت از طریق درگاه‌های پرداخت معتبر داخلی (ماده ۲۶)، گزارش عامل در مورد عملکرد خود به کارگروه ارزیابی (ماده ۳۱)، لزوم ارائه گواهی عدم

سوء پیشینه اعضای هیئت مدیره شخص حقوقی و مطرح نبودن دعوی حقوقی یا کیفری مهم علیه اعضای هیئت مدیره یا علیه شخص حقوقی (بند ب و ج ماده ۳۶).

توصیه شماره ۱۶ از مجموعه توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF) درباره نقل و انتقالات الکترونیکی وجوه است که طی آن مؤسسات مالی باید اطلاعات ضروری و دقیق درباره فرستنده و دریافت کننده وجوه را در فرایند نقل و انتقال الکترونیکی درج کنند و به منظور شناسایی نقل و انتقالاتی که فاقد اطلاعات ضروری فرستنده و دریافت کننده هستند، تمام این نقل و انتقالات را پایش کنند. توصیه شماره ۱۱ به نگهداری سوابق اشاره دارد. طبق این بند از این توصیه‌نامه مؤسسات مالی ملزم هستند که سوابق معاملات داخلی و بین‌المللی خود را حداقل تا ۵ سال نگهداری کنند تا بتوان از این طریق فعالیت‌های مجرمانه را تعقیب کرد (FATF Recommendations, 2012: 13). قانونگذار در ماده ۱۳ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ به اشخاص و نهادها و دستگاه‌های متولی مبارزه با این جرم تکلیف کرده است که به منظور پیشگیری از این جرم نسبت به شناسایی مراجعان هنگام ارائه خدمات و انجام عملیات پولی و مالی اقدام و مدارک سوابق معاملات و عملیات مالی را حداقل به مدت پنج سال پس از پایان عملیات نگهداری کنند و طبق ماده ۱۴ قانون مذکور باید عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم را به شواری عالی مبارزه با پولشویی گزارش کنند. همچنین در فصل دوم آیین‌نامه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۶ از مواد ۲ تا ۷ به لزوم شناسایی ارباب رجوع اشاره شده است. در ماده ۵ دستورالعمل تأمین مالی جمعی مصوب ۱۳۹۷ مقرر شده است که سکوه‌های مجاز برای تأمین مالی جمعی از طریق سامانه جامع اعلام خواهند شد و سکوه‌های غیرمجاز توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مسدود می‌شوند. این امر اقدامی برای پیشگیری از وقوع جرایمی نظیر تأمین مالی تروریسم و پولشویی است.

۱. طبق بند ۴ ماده ۱ دستورالعمل فوق، «سکو: پلتفرمی است که برای تأمین مالی جمعی توسط عامل ایجاد شده است و اطلاعات لازم بر اساس مفاد این دستورالعمل در آن منتشر می‌شود».

### ۳-۳. کنترل پسینی تأمین مالی جمعی

کنترل پسینی تأمین مالی جمعی که بستری برای تأمین مالی تروریسم شده مربوط به مرحله‌ای است که قرار است این اموال به تروریست‌ها منتقل شوند ولی با کنترل پسینی می‌توان این اموال و وجوه را توقیف و مصادره کرد. طبق ماده ۲ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷: «تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی الارض تلقی شود، مرتکب به مجازات آن محکوم می‌شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال و در صورت عدم وجود عین اموال معادل ارزش آن به نفع دولت، به مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین شده محکوم می‌شود». بند (پ) توصیه شماره ۴ از مجموعه توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF) به مسدودسازی، توقیف و مصادره اموال حاصله از تأمین مالی تروریسم یا اموالی که در ارتکاب این جرم مورد استفاده قرار گرفته یا قصد استفاده یا تخصیص این اموال برای چنین جرایمی بوده اشاره دارد. در انتها به کشورها توصیه می‌شود که سازکارهای قانونی مصادره بدون محکومیت را نسبت به عواید و اموال فوق فراهم کنند (FATF Recommendations, 2012: 10). قسمت (ب) بند ۶ راجع به یادداشت‌های تفسیری ناظر به توصیه شماره ۶ به لزوم توقیف اموال بدون وقفه و بدون اخطار قبلی اشاره دارد (FATF Recommendations, 2012: 41). در ماده ۸ کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به شناسایی، ردیابی، مسدود کردن و توقیف وجوه و اموالی که به قصد تأمین مالی تروریسم اختصاص یافته‌اند اشاره شده است (International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999). در ماده ۵ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ به تکلیف مراجع قضایی و ضابطان دادگستری در شناسایی، کشف و مسدود کردن و توقیف اموال موضوع این جرم اشاره شده است. بنابراین، در کنترل پسینی هدف این است که با ضمانت اجراهای کیفری مانند حبس و توقیف و مصادره با سوءاستفاده از تأمین مالی جمعی که بستری برای تأمین مالی تروریسم شده مقابله شود.

## نتیجه

در پژوهش حاضر دو مسئله طرح شدند. نخست اینکه بسترهای تأمین مالی جمعی برای تأمین مالی تروریسم چه هستند؟ و دوم اینکه چه راهکارهایی برای جلوگیری از ارتکاب تأمین مالی تروریسم از بستر تأمین مالی جمعی وجود دارند و چگونه می‌توان آنها را کنترل کرد؟ اگرچه تأمین مالی جمعی از یک سو فرصت‌هایی را برای سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار فراهم می‌کند، از سویی دیگر همراه با تهدیدات است. یکی از این تهدیدات امکان تأمین مالی تروریسم از رهگذر این پدیده است. الگوی تأمین مالی تروریسم در سال‌های اخیر تغییر کرده است و گروه‌های تروریستی برای تأمین هزینه‌های خود به شیوه‌های جدید متوسل می‌شوند. در این زمینه می‌توان به تأمین مالی جمعی اشاره کرد که می‌تواند بستر و پوششی برای تأمین مالی تروریسم باشد. بسترسازی تأمین مالی جمعی برای تأمین مالی تروریسم بدین صورت است که وجوه و اموالی که قرار است برای تأمین مالی تروریسم بکار روند ممکن است با بهانه تأمین مالی جمعی برای انجام پروژه‌ای وارد سیستم مالی شوند و سپس مقداری از این وجوه و اموال به طور صوری در پروژه‌ای صرف شوند و در نهایت اموال و وجوه مورد نظر به تروریست‌ها منتقل شوند. البته ممکن است انجام پروژه واقعی باشد و صوری نباشد ولی سودی که از این پروژه حاصل می‌شود برای تأمین مالی تروریست‌ها صرف شود. در واقع، یکی از منابع مالی تروریست‌ها دریافت منابع مالی از مردم و هواخواهان خویش برای مصرف مستقیم یا غیرمستقیم آن در رفتارهای تروریستی است.

قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ و آیین‌نامه آن مصوب ۱۳۹۶ و به ویژه دستورالعمل تأمین مالی جمعی مصوب ۱۳۹۷ راهکارهایی را برای کنترل تأمین مالی جمعی و جلوگیری از بسترسازی آن برای تأمین مالی تروریسم در نظر گرفته‌اند، بدین بیان که تا قبل از انتقال اموال و وجوه به تروریست‌ها، در مقام پیشگیری از جرم طبق قوانین و مقررات فوق‌نهادهای نظارتی می‌توانند با ابزارهای کنترلی و نظارتی مانند احراز هویت مشتری، گزارش نقل و انتقالات پولی غیرمتعارف، تقویت سیستم بانکداری به منظور ردیابی نقل و انتقالات و غیره

باعث پیشگیری در این مرحله شوند. اقدامات این مرحله را می‌توان کنترل پیشینی تأمین مالی جمعی به منظور جلوگیری از بسترسازی برای تأمین مالی تروریسم محسوب کرد. پس از انتقال اموال و وجوه به تروریست‌ها می‌توان به ضمانت اجراهای کیفری مانند مصادره و توقیف اموال متوسل شد. اقدامات این مرحله را می‌توان کنترل پسینی تأمین مالی جمعی در برابر تأمین مالی تروریسم دانست.

در همین راستا در فصل دوم آیین‌نامه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۶ از مواد ۲ تا ۷ به لزوم شناسایی ارباب رجوع اشاره شده است. ماده ۵ دستورالعمل تأمین مالی جمعی مصوب ۱۳۹۷ بیان می‌دارد که سکوهای مجاز برای تأمین مالی جمعی باید از طریق سامانه جامع اعلام شوند و سکوهای غیرمجاز توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مسدود شوند. این امر را می‌توان اقدامی برای پیشگیری از وقوع جرایمی نظیر تأمین مالی تروریسم و پولشویی دانست. همچنین، ماده ۵ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷ به تکلیف مراجع قضایی و ضابطان دادگستری در شناسایی، کشف و مسدود کردن و توقیف اموال موضوع این جرم اشاره دارد. در این راستا، در دستورالعمل تأمین مالی جمعی مصوب ۱۳۹۷ به بحث پیشگیری وضعی توجه ویژه‌ای شده است. از جمله می‌توان به بررسی و ارزیابی حسن سابقه متقاضی در طرح‌های قبلی تأمین مالی جمعی (ماده ۲۳)، لزوم پرداخت از طریق درگاه‌های پرداخت معتبر داخلی (ماده ۲۶)، گزارش عامل در مورد عملکرد خود به کارگروه ارزیابی (ماده ۳۱)، لزوم ارائه گواهی عدم سوءپیشینه اعضای هیئت مدیره شخص حقوقی و مطرح نبودن دعوای حقوقی یا کیفری مهم علیه اعضای هیئت مدیره یا علیه شخص حقوقی (بند ب و ج ماده ۳۶) اشاره کرد. اگرچه با اقدامات فوق صد درصد نمی‌توان از تأمین مالی تروریسم پیشگیری کرد، می‌توان کنترل و نظارتی بر تأمین مالی جمعی داشت تا امکان ارتکاب تأمین مالی تروریسم را از آن بسترزدایی کرد.

در پایان و به عنوان پیشنهاد باید گفت که برای مقابله با جرایم، صرف توسل به وضع قوانین و مقررات و همچنین پیشگیری وضعی کفایت نمی‌کند؛ در واقع، آنچه از اهمیت برخوردار است



اقدامات ساختاری و پیشگیری اجتماعی است. بدون اصلاح ساختارهای اقتصادی و فرهنگی و غیره نمی‌توان انتظار داشت که به صرف وضع یک قانون و با توسل به اقدامات سطحی پیشگیری وضعی، نرخ جرایم کاهش یابند. اقدامات کیفی آخرین راهکار هستند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

### الف. فارسی

- اسلامی، داود (۱۳۹۵). *مقابله با حمایت مالی از تروریسم در اسناد بین‌المللی و سیاست جنایی ایران*. رساله دکتری، پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- اکبری، عباسعلی، مالمیر، محمود، پوربافرانی، حسن (۱۳۹۶). «مفهوم و مبانی عدول از اصل برائت»، *فقه و حقوق اسلامی*، ۸ (۱۴).
- بزرگمهری، مجید، کیارستمی، مهسا (۱۳۹۶). «نقض حقوق بشر به واسطه اقدامات تروریستی و سازوکار مبارزه با آن». *سیاست جهانی*، ۶ (۱).
- بهاری‌فر، حامد؛ شهرابی، محسن؛ جلال، محمد (۱۳۹۵). «الگوی تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، تأمین مالی جمعی: مفاهیم، مدل‌ها و ملاحظات قانونگذاری»، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه مطالعاتی محیط کسب و کار).
- پارکر، جفری، ون آلستین، مارشال دلبو، چوداری، سانگیت پال (۱۳۹۸). *انقلاب پلت‌فرم: چگونه بازارهای شبکه‌ای در اقتصاد تغییر ایجاد می‌کنند و چطور آنها برای شما کار می‌کنند*، ترجمه سجاد ارتشیدار، تهران، آریانا قلم.
- تید، جوزف (۱۳۹۴). *مدیریت نوآوری: یکپارچه‌سازی تغییرات فناورانه، بازار و سازمان*، ترجمه: محمد رضا آراستی، سید کامران باقری، مرضیه رستمی، سیاوش ملکی‌فر و جواد نوری، چاپ دوم، تهران، رسا.
- حاجی‌حیدری، نسترن، انصاری، منوچهر، شجری، اندیشه (۱۳۹۷). *تحلیل موفقیت‌های سرمایه‌گذاری جمعی: مقایسه بین ایران و آمریکا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- حسن‌زاده سروسنایی، حسین، تمیزی‌فر، مهدی، سیمیری، محمدرضا (۱۳۹۷). «تأمین مالی جمعی، الگویی مناسب جهت جذب مشارکت‌های خیرین»، *تحقیقات مالی اسلامی*، ۸ (۱).

- خان‌زاد، رحیم (۱۳۹۴). «تأمین مالی جمعی، ابزار نوین تأمین مالی در بستر شبکه‌های اجتماعی در خدمت کارآفرینی و نوآوری»، کنفرانس بین‌المللی ابزار و تکنیک‌های مدیریت.
- رهامی، محسن، موسوی فرد، سیدمحمدرضا، سیدمرتضی حسینی، راحله (۱۳۹۵). «مسئولیت کیفری بین‌المللی ناشی از حمایت از تروریسم با تأکید بر مسئولیت مقامات عالی‌رتبه سیاسی». *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران*، دوره ۳، شماره ۲، (پیاپی ۷).
- شریفی طراز کوهی، حسین، فتح‌پور، فاطمه (۱۳۹۶). «الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل». *مطالعات حقوقی*، ۹ (۲).
- شمس‌ناتری، محمدابراهیم، اسلامی، داود (۱۳۹۴). «ماهیت کیفری تأمین مالی تروریسم»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲، شماره ۴ و ۵.
- عالی‌پور، حسن (الف، ۱۳۸۸). «امنیت ملی و حقوق متهم؛ مطالعه تطبیقی آئین دادرسی در قبال اقدامات تروریستی». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۲ (۴۳).
- عالی‌پور، حسن (ب، ۱۳۸۸). «بزه‌های سازمان‌یافته، امنیت و پلیس»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۲ (۴۴).
- عباسی، سهیل (۱۳۹۲). «تأمین مالی از طریق سرمایه‌گذاری جمعی: روش‌ها، بسترها و انگیزه‌ها»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام مالی در ایران.
- عبداللهی، محسن، خندان کوچکی، جمال (۱۳۹۶). «استثنای تروریسم در قوانین مصونیت ایران، آمریکا و کانادا». *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۷۷.
- فامیل زوار جلالی، امیر (۱۳۹۵). *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از تأمین مالی تروریسم*. چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- قدیری بهرام‌آبادی، رشید (۱۳۹۶). «تقابل حق و مصلحت (با تأکید بر جرایم تروریستی)». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۱ (۹۸).

- قماش، سعید، عارفی، مرتضی (۱۳۹۶). «موانع سیاسی و اقتصادی پیشگیری اجتماعی از جرم»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۳.
- کارگری، نوروز و حیدری فرد، علی اکبر (۱۳۹۳). *تروریسم شناسی*. چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- مهرنوش، مینا، بهرامی گرو، مجتبی (۱۳۹۷). *تأمین مالی جمعی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانش نگار.
- میرمحمدصادقی، حسین، قدیری بهرام آبادی، رشید (۱۳۹۴). «نقش و جایگاه سیاست در عدالت کیفری حاکم بر جرایم تروریستی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۴ (۱۳).
- الهویی نظری، حمید، فامیل زوار جلالی، امیر (۱۳۹۶). «مسئولیت بین‌المللی دولت‌های تأمین‌کننده مالی تروریسم». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۴۷ (۳).

#### (ب) انگلیسی

- Dingman S. (2013), Canadian's smartwatch startup matches record \$15-million in VC funding, *Globe and Mail*, May 16.
- Drake, D. (2015), '2,000 global crowdfunding sites to choose from by 2016: Top 5 growth indicators', accessed 5 December 2017 at [https://www.huffingtonpost.com/david-drake/2000global-crowdfunding-\\_b\\_8365266.html](https://www.huffingtonpost.com/david-drake/2000global-crowdfunding-_b_8365266.html).
- European Commission (2015). *Crowdfunding*. (<http://ec.europa.eu/growth/access-to-finance>).
- European Crowdfunding Network (2014). *Review of crowdfunding regulation. Interpretations of existing regulation concerning crowdfunding in Europe, North America and Israel 2014*, December. ([www.eurocrowd.org](http://www.eurocrowd.org)).
- FATF (2012-2018), *International Standards on Combating Money Laundering and the Financing of Terrorism & Proliferation*, FATF, Paris, France, ([www.fatf-gafi.org/recommendations.html](http://www.fatf-gafi.org/recommendations.html)).
- Galvin W.F. (2012). *Comments on the Securities and Exchange Commission's Regulatory Initiatives Under the JOBS Act: Title III, Crowdfunding*, August. ([www.sec.gov/comments](http://www.sec.gov/comments)).

- Gerber E. M., & Hui, J. (2013). Crowdfunding: Motivations and deterrents for participation. *ACM Transactions on Computing-Human Interaction*, 20 (6).
- Hemer, J. (2011). A snapshot on crowdfunding (Working Paper Firms and Region Nr. R2/2011,
- Hofstede-insights (2017). Retrieved from (<https://www.hofstede-insights.com/country-comparison/iran,the-usa/>).
- InfoDev (2012). Crowdfunding’s Potential for the Developing World. The World Bank.
- Institute for Economics and Peace (2018). global terrorism index.
- International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999.
- Kirby E., Warner S. (2014). Crowdfunding: An Infant Industry Growing Fast. IOSCO Staff Working Paper SWP3/2014, February.
- Kleeman, F., Voss G. G., & Rieder K. (2008). “Underpaid Innovators: The Commercial Utilization of Consumer Work Through Crowdsourcing”, *Science, Technology and Innovation Studies*, 4 (1).
- Lambert, Thomas, and Armin Schwienbacher (2010). An Empirical Analysis of Crowdfunding. Available at SSRN, (<http://ssrn.com/abstract=1578175>).
- Security Council Resolution 1267, (15 October 1999).
- Security Council Resolution 1373, (28 September 2001).
- Steinberg, S.; DeMaria, R.; Kimmich, J. (2012), The Crowdfunding Bible: How to Raise Money for Any Startup, video game or project, Retrieved from (<http://www.crowdfundingguides.com/The%20Crowdfunding%20Bible.pdf>).